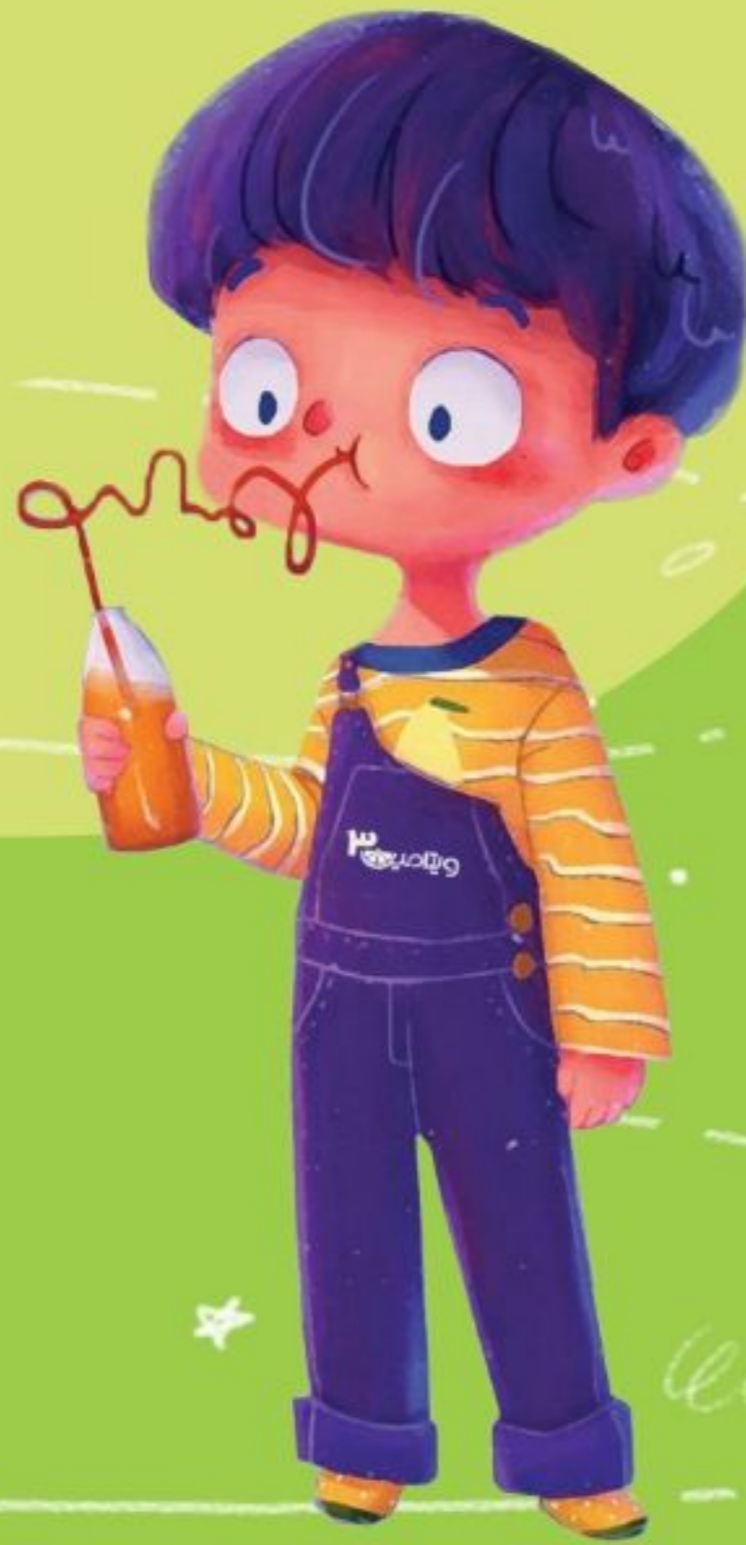


درس ششم: آرش کمان‌گیر، باران



واژه‌نامه

- نبرد: جنگ
- بی‌تاب: بی‌قرار
- دیرین: قدیمی
- پایداری: ایستادگی
- قامت: قد و بالا
- چست: چالاک
- بردباری: صبر
- رشد: راست قامت
- خاور: شرق
- نقص: عیب
- فرود آید: پایین بیاید
- تیزبال: سریع
- غزان: غرّش کنان
- شمشیر برّان: شمشیر برنده، شمشیر تیز
- تندر: رعد و برق
- غزان: غرّش کنان
- گریزان: در حال فرار
- وارونه: معلق
- گوهرفشانی: پخش کردن جواهرات
- تحقیر: خوار و کوچک کردن
- بامداد: صبح زود
- وارونه: برعکس
- سامان دادن: نظم دادن در چیدمان
- تناور: تنومند
- جاودانی: ابدی
- پولادین: از جنس فولاد
- نهنی: پنهانی
- سرپنجه: پنجه‌ی دست و سرانگشتان
- تندر: بانگ رعد
- ماهر: زبردست
- نگریست: نگاه کرد
- گهر: گوهر، سنگ قیمتی، جواهر
- بام: سقف
- دیرین: قدیمی
- خرّم: شاداب
- چست و چالاک: زرنگ
- نهن: پنهان
- پند: نصیحت

معنی و مفهوم درس «باران»

باز باران با ترانه با گهرهای فراوان می خورد بر بام خانه

معنی: باز باران با صدایی آهنگین، با دانه‌های مثل مروارید بر سقف خانه می خورد.

می شنیدم از پرنده از لب باد وزنده داستان‌های نهانی رازهای زندگانی

معنی: صدای زیبای پرنده را می شنیدم، صدای باد که در حال وزیدن بود می شنیدم و از این صداها رازهای زیبایی درباره آفرینش و زندگی به گوشم می رسید.

برق چون شمشیر بران پاره می کرد ابرها را تندر دیوانه غران چنگ میزد ابرها را

معنی: رعد و برق مثل یک شمشیر تیز ابرها را پاره می کرد. رعد و برق مثل یک دیوانه‌ی در حال فریاد انگار به ابرها مشت می زد.

جنگل از باد گریزان چرخ‌ها می زد چو دریا دانه‌های گرد باران پهن می گشتند هر جا

معنی: جنگل در اثر این باد شدید مثل امواج دریا به این طرف و آن طرف می رفت. دانه‌های باران هم به زمین می خوردند و می ترکیدند.

سبزه در زیر درختان رفته‌رفته گشت دریا توی این دریای جوشان جنگل وارونه پیدا

معنی: سبزه‌های زیر درختان در اثر جمع شدن آب دریا به زیر آب رفتند. و توی این آب جمع شده که مثل دریا شده بود عکس جنگل برعکس افتاده بود.

می شنیدم اندر این گوهرفشانی رازهای جاودانی پندهای آسمانی

معنی: در این باریدن قطره‌های مثل گوهر و مروارید من اسرار مهم و ماندنی و حرف‌های زیبای آسمانی و خدایی می شنیدم

پیش چشم مرد فردا زندگانی خواه تیره خواه روشن هست زیبا

معنی: در نظر کسی که به آینده امیدوار است زندگی چه راحت و زیبا و چه سخت بسیار

معنی و مفهوم درس «آرش کمان گیر»

مرز را پرواز تیری می دهد سامان

معنی: پرواز یک تیر، مرز را مشخص می کند.

گر به نزدیکی فرود آید / خانه‌ها مان، تنگ / آرزومان کور

معنی: اگر آن تیر در نزدیکی فرود آید، خانه‌هایمان تنگ می شود و آرزوهایمان از بین می روند.

ور پُرد دور / تا کجا؟ تا چند؟

معنی: و اگر تا دوردست پرواز کند، تا کجا و چه مقدار می رود؟

آه! کو بازوی پولادین و کو سرپنجه‌ی ایمان؟

معنی: آه! کجاست آن بازوی قدرتمند و کجاست آن ایمان قوی؟

جان خود در تیر کرد آرش

معنی: آرش تمام جان و توان خود را به تیر انتقال داد.

کار صدها، صدهزاران تیغی شمشیر کرد آرش

معنی: کاری که آرش کرد، برابر بود با کار صدها بلکه صدهزاران شمشیر.

دانش زبانی

جمله از یک یا چند کلمه تشکیل می‌شود و پیام کاملی را به شنونده منتقل می‌کند.

مثال من مادرم را دوست دارم.

جزء اصلی جمله، فعل است که جمله را کامل می‌کند.

نکته گاهی یک حرف مانند «و»، دو جمله را بهم وصل می‌کند. به این حروف که جمله‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهند، حرف ربط می‌گویند.

کلمات هم‌خانواده

ماهر: مهارت	منتظر: انتظار	تحقیر: حقارت، حقیر
نقص: ناقص	مشکل: اشکال	توانا: توانایی، توان

کلمات مخالف

ناامید: امیدوار	نهانی: آشکار	پیروزی: شکست
دیوانه: عاقل	سختی: آسانی	نازک: ضخیم
خاور: باختر	شیرین: تلخ	آشتی: قهر
توانا: ناتوان	محکم: سست	تیره: روشن

کاردرکلاس

الف) جمله های زیر را با کلمه های مناسب پر کنید.

- ۱ - معنی واژه ی «خاور»، است.
- ۲ - متضاد واژه ی «پیروزی»، است.
- ۳ - هم خانوادگی واژه ی «تحقیر»، است.
- ۴ - مشت می زد ابرها را / چرخ ها می زد چو دریا
- ۵ - می شنیدم اندر این / رازهای جاودانی

ب) جمله های درست را با (✓) و جمله های نادرست را با (x) مشخص کنید.

- ۱ - شعر «باران» اثر گلچین گیلانی است. ()
- ۲ - ایرانیان در برابر سپاه توران مقاومت می کردند. ()
- ۳ - فرماندهی سپاه تورانیان، ایرج بود. ()
- ۴ - فرماندهی سپاه ایران، آرش بود. ()
- ۵ - تیر پرتابی تعیین کننده ی مرز ایران و توران بود. ()

پ) گزینه ی درست را با علامت (✓) مشخص کنید.

- ۱ - معنی کدام گزینه نادرست است؟
 (۱) تناور: تنومند (۲) بسامان: بی نظم (۳) بردباری: شکیبایی (۴) باختر: مغرب
- ۲ - واژه ی «اندوه» با کدام یک از واژه های زیر ترکیب می شود؟
 (۱) گیر (۲) گین (۳) بال (۴) مند
- ۳ - جمله ی «آقای دکتر، مدتی است که حافظه ام ضعیف شده است و همه چیز را فراموش می کنم.» چند حرف ربط دارد؟
 (۱) دو تا (۲) سه تا (۳) چهار تا (۴) حرف ربط ندارد.
- ۴ - کدام یک از واژه های زیر مفرد است؟
 (۱) جوان (۲) خطرات (۳) بازوان (۴) عیوب
- ۵ - کدام گزینه اشتباه املائی دارد؟
 (۱) تهقیر (۲) اندوهگین (۳) سپاه (۴) تیزبال

ت) به پرسش های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱ - املا ی صحیح هر کلمه را با توجه به معنای آن مشخص کنید.

تیزپرواز ← تیزبال تیض بال قد و بالا ← قامت غامت عیب ← نقص نقص



۲ - واژه‌های نادرست املائی را مشخص کرده و صحیح آنها را بنویسید.
«منتظر، اندوهگین، تهقیر، سپاح توران، تیزبال، تیقه‌ی شمشیر، قلّه»

.....

۳ - توران از چه رودی گذشته بود؟

.....

۴ - پیشنهاد توران برای تعیین مرز ایران چه بود؟

.....

۵ - چه کسی تیر تعیین‌کننده‌ی مرز ایران را پرتاب کرد؟

(ت) به پرسش‌های زیر پاسخ کامل دهید.

۱ - معنی عبارت‌های زیر را بنویسید.

* ور بپرد دور، تا کجا؟ تا چند؟

.....

* جان خود در تیر کرد آرش

.....

۲ - جمله را تعریف کنید.

.....

۳ - در شعر «باران» منظور از «مرد فردا» چیست؟

.....

۴ - در عبارت زیر چند حرف ربط به کار رفته است؟ دور آنها را خط بکشید.

«شب همه‌جا دامن گسترده بود و ماه پشت ابر پنهان شده بود؛ اما دخترک هنوز بیدار بود و به صداهای اطراف گوش می‌کرد.»

۵ - با توجه به تصویر، موضوعی را برای نوشتن انتخاب کنید و یک بند بنویسید.



.....

.....

.....



الف) جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب کامل کنید.

- ۱ - معنی واژه‌ی «بازرگان»، است.
- ۲ - متضاد واژه‌ی «پیروزی»، است.
- ۳ - هم‌خانواده‌ی واژه‌ی «تحقیر»، است.
- ۴ - جمع کلمه‌ی «عیب»، است.
- ۵ - به حرفی که دو جمله را به هم وصل می‌کند، است.

ب) جمله‌های درست را با (✓) و جمله‌های نادرست را با (x) مشخص کنید.

- ۱ - ایرانیان امیدوار به پیروزی بودند. ()
- ۲ - مردم در دشتی پهناور منتظر پرتاب تیر بودند. ()
- ۳ - آرش روی تخته‌سنگی بزرگ ایستاده بود. ()
- ۴ - آرش تیر را از بالای قلعه‌ی دماوند پرتاب کرد. ()
- ۵ - تیر در کنار درخت سروی بر زمین نشست. ()

پ) گزینه‌ی درست را با علامت (✓) مشخص کنید.

۱ - در کدام گزینه معنای واژه‌ها به ترتیب درست آمده است؟ «نقص، قامت، مهارت»

- (۱) عیب، زبردستی، قد و بالا
(۲) عیب، قد و بالا، زبردستی
(۳) زبردستی، عیب، قد و بالا
(۴) زبردستی، قد و بالا، عیب

۲ - کدام یک از عبارتهای زیر یک جمله محسوب می‌شوند؟

- (۱) بشنو از من کودک من
(۲) زندگانی خواه تیره، خواه روشن
(۳) این خبر را هر دهانی، زیرگوشی
(۴) باز باران با ترانه، با گهرهای فراوان

۳ - املای کدام واژه نادرست است؟

- (۱) نبرد طولانی
(۲) سپاه طورانیان
(۳) رود جیحون
(۴) شکست اندوهگین

۴ - کدام گزینه هم‌خانواده‌ی سایر گزینه‌ها نیست؟

- (۱) درس
(۲) مدرّس
(۳) سردی
(۴) مدرسه

۵ - شاعر درس «باران» کیست؟

- (۱) گلچین گیلانی
(۲) طیبه دلقدی
(۳) بهجت تبریزی
(۴) قیصر امین پور

ت) به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱- معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

تحقیر: نقش: نیمروز:

۲- متضاد واژه‌های زیر را بنویسید.

طولانی ≠ مشکل ≠ تنگ ≠

۳- هم‌خانواده‌ی واژه‌های زیر را بنویسید.

ماهر ← متفکر ← نقص ←

۴- در میان ترکیب‌های زیر، واژه‌های نادرست را بیابید و شکل درست آنها را بنویسید.

«نبرد طولانی، سپاه طورانیان، رود جیحون، شکست اندوهگین، فرماندهی افراسیاب، بازوی پولادین»

۵- کلمه‌های زیر را کنار هم قرار دهید و ترکیب‌های جدید بسازید.

«اندوه - آفرید - کمان - تیر - نیرو - انداز - گیر - گار - مند - گین»

ث) به پرسش‌های زیر پاسخ کامل دهید.

۱- چرا ایرانیان پیشنهاد تورانیان را پذیرفتند؟

۲- چرا آرش پس از پرتاب تیر، جان داد؟

۳- مفهوم هر مصراع را توضیح دهید.

* مرز را پرواز تیری می‌دهد سامان

* کار صدها، صدهزاران تیغی شمشیر کرد آرش

۴- آرش جان خدا را برای چه چیزی داد؟

۵- با استفاده از کلمه‌های «سرباز، مرز، ایران، دشمن، کشور» یک متن بنویسید و هر جا از حرف ربط «و» استفاده کردید، دور آن خط بکشید.

آزمون میان‌نوبت دوم



الف) جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب کامل کنید.

۱- شهریار، منظومه‌ی «حیدربابا» را به سروده است.

۲- جزء اصلی جمله است.

۳- برو ای در خانه‌ی علی زن / که دهد از کرم گدا را

۴- به رفتاری که اصلاح نمی‌شود، می‌گوییم.

۵- قصه‌های مثنوی مولوی اثر است.

ب) جمله‌های درست را با (✓) و جمله‌های نادرست را با (×) مشخص کنید.

۱- به کلمه‌ای که اسم قبل خود را تعریف می‌کند، مفعول می‌گویند. ()

۲- صفت ساده، چیزی را با چیز دیگر مقایسه نمی‌کند. ()

۳- «بهارستان» اثر جامی است. ()

۴- «تا» در «سرتاسر» میانوند است. ()

۵- مهر مادر موسی از مهر خداوند بیشتر است. ()

پ) گزینه‌ی درست را با علامت (✓) مشخص کنید.

۱- من حرم می‌چرخیدم.

(۱) گرداگرد (۲) لبالب (۳) دوشادوش (۴) دمام

۲- در کدام گزینه اشتباه املایی وجود دارد؟

(۱) قفقاز (۲) ابداع (۳) تاق (۴) رحمت

۳- معنی کدام واژه درست نیست؟

(۱) عطار: فروشنده (۲) طبله: صندوقچه (۳) حومه: اطراف (۴) درنگ: صبر

۴- کدام جمله مفعول ندارد؟

(۱) ما به دریا حکم توفان می‌دهیم. (۲) ادب از بی‌ادبان آموختم.

(۳) علم چندان که بیشتر خوانی (۴) مشک آن است که خود ببوید.

۵- کدام کلمه معنای «جنگی» می‌دهد؟

(۱) غازی (۲) قازی (۳) قاضی (۴) غاضی

ت) به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱- از نظر سعدی، ویژگی انسان دانا چیست؟

۲- دلیل عصبانیت شیر از موش چه بود؟

۳- ایرج میرزا در کدام شهر به دنیا آمده است؟

۴- فعل در جمله‌ی زیر کدام است؟

«علی به کتابخانه می‌رود و در آنجا درس می‌خواند.»

۵- با استفاده از ترکیب «اسم + ناپذیر» دو کلمه‌ی غیرساده بنویسید.

ت) به پرسش‌های زیر پاسخ کامل دهید.

۱- متضاد را تعریف کنید.

۲- کلمات «زیبا» و «سفید» را به صورت صفت به کار ببرید.

۳- معنی بیت زیر را بنویسید.

«سطح آب از گاهوارش خوش‌تر است / دایه‌اش سیلاب و موجش مادر است»

۴- پنج واژه‌ی غیرساده بنویسید و اجزای آن‌را مشخص کنید.

۵- بیت زیر چند جمله دارد؟ مشخص کنید.

«اجل را دید و شست و از زندگی دست / درختی در نظر بگرفت و بنشست»

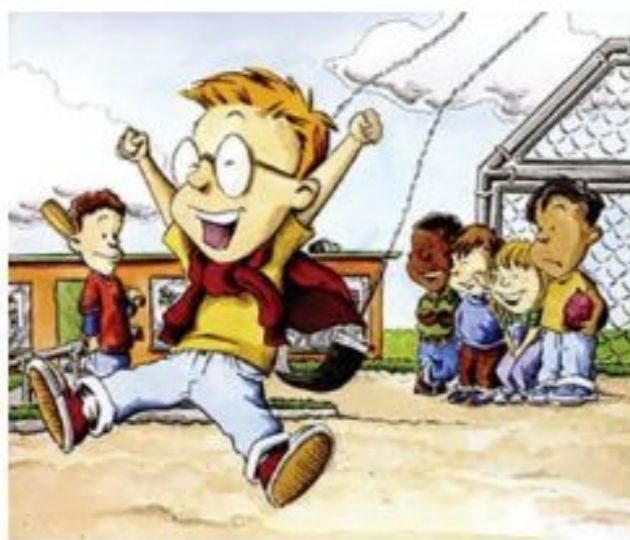
۶- لقمان چگونه از بی‌ادبان ادب می‌آموخت؟

۷- با واژه‌های زیر جمله بسازید.

لبالب:

سرتاسر:

۸- برای شکل مقابل یک جمله‌ی کامل بنویسید و نمودار آن‌را رسم کنید.



۹- داستان «امید» را به صورت خلاصه بنویسید.

۱۰- یک بند درباره‌ی بازی مورد علاقه‌ی خود بنویسید.



معنی لغات جدید درس اول و ستایش

بود: باشد، هست	جوی: پیدا کن	دمی: لحظه‌ای
نشان: نشانه، علامت	نهان: پنهان، مخفی	صبحگاه: هنگام صبح
جهان افروز: روشن کننده‌ی جهان	داوری: قضاوت کردن	غوک: غورباغه
برکه: آبگیر، گودالی که در آن آب جمع شده باشد.	زینت داد: تزیین کرد	نیلی: آبی تیره، کبود رنگ
گلگون: سرخ رنگ	سنوبر: نام درخت	انبوه: زیاد، فراوان
جلا دادن: شفاف و پاکیزه، صاف و براق	دل انگیز: زیبا، جالب	تاب نیاوردند: تحمل نکردند
چیره‌دست: ماهر، استاد، زبردست	پذیرفت: قبول کرد	قشر: لایه
شگفت‌انگیز: عجیب و غریب، تعجب‌آور	ارغوانی: قرمز مایل به بنفش	معرفت: شناخت
بگشود: باز کرد	پهنه‌ی دشت: سطح دشت	آویخت: آویزان کرد
نشانید: گذاشت، قرارداد		رمه: گله
		سراغ: پی چیزی رفتن، دنبال

واژگان هم‌خانواده

(روشن - روشنایی)	(جوی - جوینده)	(صبح - صبحگاه - صبحانه)
(طبیعت - طبع - طبیعی)	(هنرمند - هنرنا - هنر)	(باقیه - باقی)
(معرفت - عرفان - تعریف - معروف)	(اثر - تأثیر - موثر)	(سطح - مسطح - سطوح)
(مزارع - مزرعه - زراعت - زرع)		(تصویر - مصوّر - تصاویر - صورت)
(انتظار - منتظر)	(قشر - اقشار)	(مهاجر - مهاجرت - هجرت)
(نخست - نخستین)	(زینت - تزیین)	(هوش - هوشیار - باهوش - هوشمند)
(منظره - نظر - ناظر - نظارت)		(پهن - پهنه - پهناور)

واژگان متضاد

دیدم = ندیدم	سوال = جواب	متصل = جدا	هست = نیست
روشنایی = تاریکی	نیکی = بدی	نهان = آشکار	آهسته = سریع

معنی لغات جدید درس دوم

دلنشین: جذاب، زیبا و قشنگ	عهدده: مسئولیت
پی در پی: پشت سرهم، پیوسته	لطیف: ملایم، نرم
نهاده است: قرار داده است	شگفتی: تعجب، حیرت
پیمودن: طی کردن، پشت سر گذاشتن	معتدل: آب و هوایی که نه سرد باشد نه گرم
جنب و جوش: تلاش و فعالیت بسیار	لطف: محبت، مهربانی
کوچ: مهاجرت، از جایی به جایی رفتن	پیشین: قبلی، گذشته
جست: جهید، پرید	جامه: لباس

واژگان هم خانواده

(طولانی - طویل - طول)	(جمع - جامع - مجموع - جامعه - جماعت)
(مشغول - شغل - شاغل)	(معلوم - علوم - علم - عالم - معلم - تعلیم)
(سفر - مسافر - مسافرت)	(اعتدال - معتدل - متعادل)

واژگان متضاد

کمیاب = زیاد	طولانی = کوتاه	معلوم = مجهول	اوایل = اواخر
--------------	----------------	---------------	---------------

معنی لغات جدید درس سوم

حیات: زندگی	آسیاب: دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم و جو و دانه‌های دیگر
اساس: پایه، بنیان	می‌لنگید: لنگان لنگان راه می‌رفت، در راه رفتن ناتوان بود
خوار: حقیر	حدس زدم: گمان کردم، پنداشتم، فکر کردم
زاغکی: زاغ کوچکی	معذرت خواهی: عذرخواهی
	قضا: سرنوشت
خوش‌خوار: خوش‌آواز	زاغ: پرنده‌ای از خانواده‌ی کلاغ در اندازه و رنگ‌های مختلف
	خوش‌آواز: خوش‌صدا، خوش‌نوا
	طعمه: خوردنی، خوراک
	آواز: صدا، بانگ، نغمه، سرود
	روبهک: روباه کوچک
	بربود: ربود، برد، دزدید

واژگان هم‌خانواده

(معذرت - عذر - عذرخواهی)	(گود - گودی - گودال)	(حاکم - حکم - محکوم)
--------------------------	----------------------	----------------------

معنی لغات جدید درس چهارم


برافراشته: بالا برده، بالا گرفته شده	حکیم: دانشمند، فیلسوف، طبیب (پزشک)
تعلیم: یاددادن	قصد: اراده کردن، نیت
نیک‌نامی: خوش‌نامی، معروف به خوبی	افزوده می‌شد: اضافه می‌شد



نقش کلمات در جملات

نهاد: یک کلمه یا گروهی از کلمات در جمله می‌باشد که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم یا صفت و حالتی را به آن منسوب می‌دهیم. نهاد ممکن است فاعل یا مسندالیه باشد.

گزاره: قسمتی از جمله است که درباره نهاد خبر می‌دهد.

مثال  علی از مدرسه آمد.

فاعل: کننده‌ی کار است.

مسندالیه: نهادی است که به آن صفت و حالتی را منسوب می‌کنیم اما کار انجام نمی‌دهد.

مفعول: کسی یا چیزی است که کار بر روی آن انجام شده است.

مُسند: کلمه‌ای است که قبل از فعل ربطی یا اسنادی قرار می‌گیرد.

متمم: کلمه‌ای است که بعد از حروف اضافه می‌آید.

فعل: کلمه‌ای است که حالت و چگونگی انجام شدن کاری یا روی دادن حالتی را نشان می‌دهد.

حروفات

حرف‌ها در زبان فارسی سه دسته‌اند: «حرف ربط»، «حرف اضافه» و «حرف نشانه».

حرف اضافه: کلمه‌ای است که معمولاً کلمه یا گروهی از آنها را به «فعل» یا «صفت برتر»، یا «اسم جمع» و یا نظایر این‌ها نسبت می‌دهد و آنها را متمم یا وابسته‌ی فعل، صفت برتر یا اسم جمع و مانند این‌ها قرار می‌دهد. حرف اضافه نیز دو دسته‌اند:

الف) حروف اضافه‌ی ساده: شامل از، الی، اندر، با، بدون، بر، برای، به، بی، تا، جز، چون، در، ضد، علیه، غیر، مانند، مثل، مگر و ...

ب) حروف اضافه‌ی مرکب: به غیر از: به مجرد: به محض: به وسیله‌ی، به واسطه‌ی، در برابر، در قبال، شامل، غیر از، در میان، از جمله و ...

حرف ربط یا پیوند: حرف ربط کلمه‌ای است که دو سازه را به هم پیوند (ربط) می‌دهد. حروف ربط دو دسته‌اند:

الف) حروف ربط ساده: شامل اگر، اما، باری، پس، تا، چه، خواه، زیرا، که، لیکن، نیز، و، ولی، هم، یا.

ب) حروف ربط مرکب: شامل آن جاکه، آن گاه که، از آن جاکه، از آن که، از این روی، از بس، از بس که، بس که، از بهر آن که، اکنون که، چنان چه، اگر چه، الاین که، باین حال، با وجود این، به شرط آن که، چنان که و ...

توجه! وقتی حرف (و) بین دو یا چند کلمه و جمله قرار بگیرد و بین آنها رابطه برقرار کند حرف ربط و همپایگی است ولی اگر بین دو یا چند کلمه قرار بگیرد که دارای نقش‌های یکسان در جمله‌اند برای مثال همه‌ی آنها فاعل و ... باشند حرف عطف است.

حرف نشانه: حرفی است که برای تعیین مقام و نقش کلمه در جمله می‌آید و نقش آن را مشخص می‌کند. برای مثال «را» در جمله‌ی نشانه‌ی مفعولی را